

با وجود اینکه در منطقه پیرامونی و جهان انبوهی از حوادث و رخدادها را پشت سر می‌گذاریم، ولی برخی از آنها به دلیل پیامدهای راهبردی که به جای می‌گذارند، متمایز از دیگر رخدادها هستند. برای نمونه، آنچه در دریای چین جنوبی بین چین و آمریکا و همیمانان وی در حال وقوع است، رخدادی راهبردی به شمار می‌آید. آنچه در شرق اروپا و در مرزهای غربی روسیه و به بهانه اوکراین یا با استستقرار نظام دفاع ضد موشک آمریکایی شاهد هستیم، نوعی رخداد راهبردی است که زنجیره‌ای از رفتارها، سیاست‌ها، ص‌ف‌بندی‌ها و رخداد‌های بعدی را در کنار خود خواهد داشت. در منطقه غرب آسیا نیز در دو هفته اخیر پنچ نمونه خداد راهبردی شکل گرفته یا در حال حدوث است. بخش مهمی از سرنوشت منطقه، معادلات قدرت، جایگاه بازیگران و حوادث بعدی، ناشی از این رخداد‌های پنج‌گانه خواهند بود که به اختصار بیان می‌شوند:

#### ۱ – عملیات نظامی ضد داعش در فلوجه

در اهمیت این عملیات همین بس که بگویم تحریک‌ها و تشویق‌های مرتبط با بحران سیاسی پارلمان و کابینه عراق بسیاری به تأخیر انداختن عملیات ضد داعش در فلوجه انجام گرفت تا تروریسم برای عقیم کردن دولت، امنیت و هرگونه سازندگی در عراق باقی بماند و عمری طولانی‌تر داشته باشد. به همین دلیل آمریکایی‌ها اولویت عملیات در موصل را به‌مثابه آدرس غلط مطرح کردند و اکنون نیز با فضاسازی رسانه‌ای آل‌سعود و غربی یا بهانه‌های بشردوستانه ساکنان فلوجه و کند شدن آهنگ عملیاتی، بار دیگر ضرورت عملیات در موصل را به ارتش عراق تحمیل می‌کنند. عملیات فلوجه به اندازه‌ای اهمیت دارد که آمریکایی‌ها حاضرند رسوایی کمک به سران داعش را از طریق فرود و فراز هلی کوپترهای‌شان در این مناطق تحمل کنند، ولی سیر عملیات در فلوجه با آهنگ پرشتاب پیش نرود. عملیات در فلوجه همین قدر مهم است که تمام طیف بعثی و جریان‌های مزدبگیر و وابسته به عربستان و آمریکا و کشورهای مدخالگر در عراق به موازات تحرکات سفیر آل‌سعود در عراق، سسینه چاک می‌دهند که عملیات ضد داعش در فلوجه، برای کشتار اهل سنت است.

همه این اقدامات در به تعویق انداختن عملیات فلوجه از این روست که این عملیات اصلی‌ترین نقطه ثقل جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و نظامی داعش و تروریسم تکفیری و–هایی است و نابودی این ظرفیت به معنای پایان یافتن بخش عمده داعش در عراق است.

#### ۲ – عملیات آمریکا و نیروهای دموکراتیک سوریه در رقه علیه داعش

عوامل و متغیرهای بسیاری موجب شده است که عملیات رقه در دستور کار آمریکا قرار گیرد. کاخ سفید نیازمند کارت‌های پیروزی و مؤثر در انتخابات ریاستی است که باید در سیاست خارجی و به‌ویژه غرب آسیا آن را تأمین کند. این در حالی است که در پنج سال‌ونیم گذشته، آمریکا در سوریه، با ریسمان قطر، ترکیه و عربستان در باتلاق این بحران فرو رفته و هیچ ابزار و کارت مستقل میدانی و مذاکراتی که هزینه حمایت از تروریسم را در برداشته باشد، در اختیار ندارد. آمریکا تروریست‌ها را در عملی خود، برای فرسایش دولت سوریه و بشار اسد ضروری می‌داند و نه تنها آنها را حذف نمی‌کند، بلکه به طور همه‌جانبه از آن حمایت نیز می‌کند. آنچه عملیات در رقه را برجسته می‌کند، این است که بدون تکیه بر تروریست‌ها یک جغرافیای قابل‌توجه در پوشش همکاری با کردهای شمال سوریه (عشایر و آشوری‌ها) و مبارزه با داعش به دست می‌آورد که هیچ یک از هزینه‌های پنج سال گذشته در سوریه را ندارد و برای ارتقای چانه‌زنی میدانی و مذاکراتی آمریکا در قبال روسیه و سوریه بسیار حیاتی است. در ۲۰ روز گذشته نیز عملیات‌های صورت گرفته پیش از اینکه حالت جنگی هجومی یا پر شدت داشته باشد، عوامل و متغیرهای بسیاری موجب شده است که عملیات رقه در دستور کار آمریکا قرار گیرد. کاخ سفید نیازمند کارت‌های پیروزی و مؤثر در انتخابات ریاستی است که باید در سیاست خارجی و به‌ویژه غرب آسیا آن را تأمین کند. این در حالی است که در پنج سال‌ونیم گذشته، آمریکا در سوریه، با ریسمان قطر، ترکیه و عربستان در باتلاق این بحران فرو رفته و هیچ ابزار و کارت مستقل میدانی و مذاکراتی که هزینه حمایت از تروریسم را در برداشته باشد، در اختیار ندارد. آمریکا تروریست‌ها را در عملی خود، برای فرسایش دولت سوریه و بشار اسد ضروری می‌داند و نه تنها آنها را حذف نمی‌کند، بلکه به طور همه‌جانبه از آن حمایت نیز می‌کند. آنچه عملیات در رقه را برجسته می‌کند، این است که بدون تکیه بر تروریست‌ها یک جغرافیای قابل‌توجه در پوشش همکاری با کردهای شمال سوریه (عشایر و آشوری‌ها) و مبارزه با داعش به دست می‌آورد که هیچ یک از هزینه‌های پنج سال گذشته در سوریه را ندارد و برای ارتقای چانه‌زنی میدانی و مذاکراتی آمریکا در قبال روسیه و سوریه بسیار حیاتی است. در ۲۰ روز گذشته نیز عملیات‌های صورت گرفته پیش از اینکه حالت جنگی هجومی یا پر شدت داشته باشد،

### نگاه یک

## اهداف آمریکا از ورود به شمال سوریه

مریم فتاحی



عنوان «داره خودگردان» است، با ورود ناو هواپیمابر ترومن به دریای مدیترانه، جنگنده‌های آمریکا با پشتیبانی هوایی از کردها حملات خود علیه داعش در رقه را تشدید کرده‌اند. در پایان می‌توان گفت اهداف آمریکا از همکاری با کردها در حمله به رقه - تجزیه سوریه و تشکیل منطقه فدرال کردها در شمال سوریه است و ۷- آمریکا در نشست آینده برای حل بحران سوریه نیاز به برگ برنده‌ای دارد و نبرد با داعش در مرکز اصلی آن یعنی رقه می‌تواند بهترین برگ برنده برای آمریکا باشد. مقامات آمریکا به خوبی می‌دانند طرح سقوط بشار اسد شکست خورده است و باید خود را برای مرحله پس از تروریسم در سوریه آماده کنند؛ بنابراین سعی دارند با ترمیم چهره خود از طریق مبارزه با داعش خود را کشوری علیه تروریسم معرفی کنند تا بتوانند در ساختار آینده سوریه نقش ایفا کنند.

## صبح صادق

صبح صادق آخرین تحولات غرب آسیا را واکاوی می‌کند

# پنج رخداد راهبردی منطقه

هادی محمدی



میان‌ه‌رو، شهروندان موجود در مناطق تحت سیطره تروریست‌ها

و بی‌تحریک و فقدان هر گونه اقدام علیه تروریست‌های القاعده که بخش قابل توجهی از بنیه تروریسم در سوریه را تشکیل می‌دهند و بازی تأخیری در قبال هر برنامه جدی برای مبارزه با تروریسم، پس از اینکه مدتی دیپلماسی روس‌ها را تحت تأثیر یا فریب قرار داده بود، به نقطه رنگ باختن رسیده است. آنچه از سوی ایران، مقامات سوری و مقاومت بر آن تأکید شده، این است که آتش‌بس بهانه آمریکا و بقیه حامیان تروریسم برای حفظ و تقویت تروریست‌هاست و هر راه‌حل سیاسی بدون مبارزه جدی با تروریسم به نتیجه نمی‌رسد. از ژنو تاکنون راهبرد اصلی آمریکا و دیگر حامیان تروریسم در مذاکرات سیاسی این بوده که به موازات فشار تروریستی، مذاکره سیاسی را دنبال کرده و امتیاز کسب کنند. بازی با موضوعات بشردوستانه و حتی سازمان ملل و دبیر کل فعلی آن که نتوانست در مقابل فشارهای لابی‌های سعودی و رشوه‌های آل‌سعود دوام بیاورد؛ بیانه محکومیت و در فهرست نشیاء قرار گرفتن سعودی‌ها به دلیل کشتار کودکان یعنی هم نمی‌تواند عامل بازدارنده مبارزه با تروریسم در سوریه یا عراق باشد؛ از این رو دور جدید عملیات‌های مشترک و هماهنگ روسیه، سوریه و مقاومت پس از دیدار سه‌جانبه وزرای دفاع ایران، روسیه و سوریه در تهران آغاز شده است و گام‌های اولیه آن در پیشروی به سمت فرودگاه و شهر الطیقه و مباران شدید تروریست‌ها در جنوب غربی حلب برداشته شده است؛ این عملیات‌ها نه‌تنها باید معادله میدانی و قدرت در قبال تروریست‌ها را یکسره کند، بلکه باید حامیان تروریسم و سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی در رفتارهای دوگانه در قبال تروریسم را پاسخگو کند. اهمیت این رخداد راهبردی در این است که مقامات ارشد امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی تنها گزینه مطلوب و فرصت‌ساز برای این رژیم را ادامه جنگ تروریستی و حفظ ظرفیت‌های آنها می‌دانند و تا مرز این پیشنهاد پیش می‌روند که برای کمک به تروریست‌ها، ارتش صهیونیستی نیز باید در سوریه عملیات محدود داشته باشد. شاید بخشی از اهداف سفر نتانیاهو به مسکو که تأکید کرد برای دریافت تضمین‌هایی از مسکو در محور جولان است، به این منظور باشد که روس‌ها را از اجرای دور جدید عملیات‌های هماهنگ علیه تروریسم منصرف کند.

#### ۴ – ائتلاف اسرائیلی – سعودی

ظرافت و خوبی تحولات پنج سال اخیر منطقه با وجود تمامی جنایات، تحریف‌ها و دشواری‌هایی که ایجاد کرده، این است که آمریکا، رژیم صهیونیستی و غرب را به پذیرش و تحمل رسوایی‌های مهمی مجبور کرده است و سازمان ملل و دستگاه‌های بین‌المللی از ژست بی‌طرفی خارج شده و ناچار به رفتاری برخلاف وظایف و ژست خود شده‌اند و نقاب نفاق را از چهره دیکتاتوری مرتجع منطقه برداشته که موجودیت آنها به حمایت از صهیونیست‌ها

گره خورده است.

بازی زیرکانه ارتجاع عرب در تقریباً ۷۰ سال گذشته در قبال مسئله فلسطین به‌گونه‌ای دنبال شده است که با کمترین هزینه مسری برنامه‌های صهیونیست‌ها برای بلعیدن کامل فلسطین، سرکوب حقوق و آمال فلسطینی و سلطه و برتری صهیونیست‌ها بر منطقه را هموار کرده‌اند. غربی‌ها، صهیونیست‌ها و ارتجاع



### مقامات ارشد امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی تنها گزینه مطلوب و فرصت‌ساز برای این رژیم را ادامه جنگ تروریستی و حفظ ظرفیت‌های آنها می‌دانند و تا مرز این پیشنهاد پیش می‌روند که برای کمک به تروریست‌ها، ارتش صهیونیستی نیز باید در سوریه عملیات محدود داشته باشد

عرب در تحولات پنج سال اخیر منطقه و برای مهار و مدیریت و تحریف بیداری اسلامی یا برای شبیه‌سازی آن در عراق، سوریه و لبنان، هزینه‌های زیادی از نظر حیثیتی و مالی، نظامی و امنیتی، رسانه‌ای و سیاسی متحمل شده‌اند و هدف اصلی آن مهار و مقابله با انقلاب اسلامی ایران و گفتمان آن بوده است. این جدال پنج ساله با اینکه در برخی جوانب توفیقاتی داشته است، ولی به شکل کلان و در بسیاری از عرصه‌ها به اقتدار ایران اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی منتهی شده و تیم غربی و عربی را به چالش کشیده است. ناتوانی آمریکا و غرب برای رفتار و برنامه مستقل در منطقه و ناتوانی و نگرانی از فروپاشی ارتجاع عرب و حاکمیت‌های آنها، یک جهش پرهزینه برای آنها داشته است و با قربانی کردن کامل مسئله فلسطین و با شتاب غیر عادی و برخلاف گذشته، نجات از کابوس نابودی و تقلب یا ایران را در ائتلاف و آشتی و مناسب راهبردی همه‌جانبه با رژیم صهیونیستی قرار داده‌اند؛ به

### نگاه دو

## چرایی تلاش حامیان سعودی برای فرار از باتلاق یمن

محمدرضا مرادی

- صهیونیستی از موضع خود عقب‌نشینی کرد؛ اما موضع‌گیری اولیه سازمان ملل درباره عربستان نشان می‌دهد، این سازمان نیز به دنبال بهبود چهره خود در یمن و نیز تیره از جنایت‌های سعودی‌هاست. این دو شکست برای عربستان به خوبی مؤید این مسئله است که عربستان به شدت به دنبال خروج از باتلاق یمن است؛ چراکه وقتی حامیان اصلی خود را در این مسئله از دست داده است، به تنهایی نمی‌تواند به ادامه نبرد در یمن امید داشته باشد. البته موضع‌گیری آمریکا درباره عربستان به دلیل دلسوزی این کشور برای



مردم یمن نیست؛ بلکه دلیل این امر آن است که عربستان در مسائل مهم منطقه‌ای عملکرد بسیار فاجعه‌باری داشته است و در بیشتر درگیری‌های بین‌المللی حضور دارد؛ از این رو در بحران یمن این کشور با فشار افکار عمومی و سازمان‌های حقوقی بین‌المللی رویبرو است و برای فرار از این فشارها تدریج در حال فاصله گرفتن از عربستان در یمن است. این ضربه‌ای اساسی برای آل‌سعود است و باید در ادامه مذاکرات کویت شاهد تأثیرات و حتی عقب‌نشینی‌های هیئت ریاض بود. مذاکراتی که از ۲ اردیبهشت ماه شروع شده است؛ ولی به دلیل کارشکنی‌های ریاض تاکنون دست‌انورد چندانی نداشته است و عربستان با وجود وعده‌هایی که پیش از شروع مذاکرات درباره آتش‌بس داده بود، همچنان به نقض آتش‌بس در یمن مشغول است.

امید اینکه با تکیه بر صهیونیست‌ها و قابلیت‌های نظامی، امنیتی، تکنولوژیک و… جای خالی آمریکا را در راهبردهای خود پر کنند. شاید این سراب امیدساز را صهیونیست‌ها هم در نگاه به توان مالی و دلارهای نفتی یا قرار گرفتن آنها در جایگاه پیاده‌نظام جنگی در قبال ایران می‌دانند. سرراب ارتجاع عرب و آل‌سعود که این روزها اخبار فراوانی در ضرورت و آثار همگرایی بین رژیم صهیونیستی و آل‌سعود شنیده می‌شود، به حدی رسیده است که نمی‌توانند ناله‌های جهانی را که در حمایت از صهیونیسم و رژیم صهیونیستی به راه افتاده، ببینند. در محیط خارجی، طیفی از مشکلات، چالش‌ها و ناکامی‌ها این رژیم را در فشار قرار داده است. برای اولین‌بار در تاریخ صهیونیسم و در سرزمین‌های غربی که هرگونه انتقاد از صهیونیست‌ها، جریمه و زندان داشته است، وسیع‌ترین انتقاد و تحریم اقتصادی و علمی علیه این رژیم اجرا می‌شود و خط و نشان‌های پاجه‌خوران صهیونیست‌ها هم اثری نداشته است و دادگاه‌های اروپایی در کمین محاکمه برخی مقامات رژیم صهیونیستی هستند. برای اولین‌بار خواسته‌های مقامات صهیونیست در اولویت مقامات کشورهای غربی نیست، ولی حمایت از این رژیم را کماکان دنبال می‌کنند. غربی‌ها و صهیونیست‌ها امیدوار بودند با ساماندهی و به‌کارگیری و هدایت تروریسم تکفیری – وهایی نه‌تنها مقاومت را نابود کنند، بلکه حکومت‌ها و نظم منطقه‌ای نونیی برای سال‌های آینده در چارچوب منافع و مصالح استعماری و غیرقانونی به وجود آورند. این رؤیای استعماری به نتیجه معکوس نزدیک شده و انقلاب اسلامی و مقاومت منطقه‌ای در نقطه‌ای برتر از پنج سال گذشته قرار گرفته‌اند و در جبهه مقابل، حکومت‌های منطقه‌ای حامی تروریسم در بدترین وضعیت به سر می‌برند و آمریکا در محدودترین شرایط گزینه‌ها و تصمیمات خود قرار دارد. در چنین وضعیتی تنها امید آنها در ائتلاف اسرائیلی – عربی و برچمرداری آل‌سعود است که نمی‌توانند هزینه‌ها و خسارت‌های گوناگون ایسن رویکرد را نادیده بگیرند؛ یعنی طبق مثل معروف «کوری عکاشش کوری دیگر شود.»

#### ۵– یمن، باتلاق سعودی و سازمان ملل

سرزمین یمن برای سعودی‌ها اهمیت راهبردی داشته و همواره تلاش کرده‌اند آن را به‌منزله حیاط خلوت خود بدانند و با آن رفتار کنند. پروژه یمن برای سعودی‌ها در پنج سال اخیر، هم به‌مثابه برنامه‌ای در تحریف بیداری و جلوگیری از واگرایی با سعودی‌ها و هم به‌منزله جبران شکست‌ها و خسارت‌های آل‌سعود در ماجراجویی‌های منطقه‌ای در عراق، سوریه و لبنان، اولویت و برجستگی جدیدی پیدا کرده است. اگر حمله نظامی ۱۵ ماهه و انواع جنایات ضدبشری و جنگی را تحمل می‌کنند و حتی حامیان غربی و منطقه‌ای و مجامع بین‌المللی را به رسوایی می‌کشاند، دلیل بر همین اهمیت یمن و خشک‌سری آل‌سعود است. این تلاش بی‌نتیجه است و تیم انصارالله از کویت باز می‌گردند. در حالی که آمریکا، انگلیس و امارات به یمن لشکر کشیده‌اند، کاری از پیش نبرده‌اند و ابزارهای مزدبگیر آنها در اختلاف و واگرایی با هم هستند. عربستان یا باید با انصارالله و حزب کنگره ملی توافق کند یا آغاز پایان خود را ببپذیرد. هیچ جغرافیای شاخص بشری به جز یمن برای سعودی‌ها کابوس آفرین نیست و به همین دلیل است که دبیرکل و سازمان ملل را هم در یک سطح جدید از رسوایی با جنایات سعودی شریک می‌کنند تا نام آل‌سعود در ائتلاف آنها در فهرست سیاه جانبان باقی نماند.